

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Comparative Analysis of Property Rights in Islamic and Non-Islamic Countries Using the Theories of John Locke and Allameh Tabataba'i

Saeed Hosseini*¹

1. Department of Private Law, Kharazmi University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: saeedhosseini56@khu.ac.ir

ABSTRACT

This article examines and provides a comparative analysis of property rights in Islamic and non-Islamic countries using the theories of John Locke and Allameh Tabataba'i. Initially, the philosophical and legal foundations of property rights in Islam, based on the Quran, Sunnah, and jurisprudential opinions, are elucidated. Allameh Tabataba'i introduces property rights as a divine and social right that should be accompanied by principles of justice and social responsibility. Subsequently, the historical development of property rights in the West is reviewed, analyzing John Locke's theories, which emphasize natural rights and secular principles. Locke asserts that property arises from an individual's labor and should be protected by governments and laws. The comparative analysis reveals that Tabataba'i's views are rooted in religious and divine rights, whereas Locke's views are based on secular and natural rights. The challenges of property rights in both legal systems are discussed, and solutions for improvement are offered. Finally, the importance and impact of this study on the development of property rights and the enhancement of social justice are emphasized. This article can assist legislators and policymakers in formulating laws that equitably and effectively implement property rights by better elucidating religious and legal foundations.

Keywords: *Property Rights, John Locke Theory, Allameh Tabataba'i, Islamic Countries, Non-Islamic Countries, Comparative Analysis, Social Justice.*

How to cite: Hosseini, S. (2023). Comparative Analysis of Property Rights in Islamic and Non-Islamic Countries Using the Theories of John Locke and Allameh Tabataba'i. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 1(2), 33-43.



تاریخ ارسال: ۳ آبان ۱۴۰۲
 تاریخ بازنگری: ۱۷ آذر ۱۴۰۲
 تاریخ پذیرش: ۳ دی ۱۴۰۲
 تاریخ چاپ: ۲۵ دی ۱۴۰۲

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تحلیل تطبیقی حقوق مالکیت در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی با استفاده از نظریات جان لاک و علامه طباطبایی

سعید حسینی^{۱*}

۱. گروه خصوصی حقوق، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: saeedhosseini56@khu.ac.ir

چکیده

این مقاله به بررسی و تحلیل تطبیقی حقوق مالکیت در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی با استفاده از نظریات جان لاک و علامه طباطبایی می‌پردازد. در ابتدا، مبانی فلسفی و حقوقی حقوق مالکیت در اسلام بر اساس قرآن و سنت و نظرات فقهی تبیین شده است. علامه طباطبایی، حقوق مالکیت را به عنوان حقی الهی و اجتماعی معرفی می‌کند که باید با اصول عدالت و مسئولیت اجتماعی همراه باشد. سپس، تاریخچه و تحول حقوق مالکیت در غرب مورد بررسی قرار گرفته و نظریات جان لاک که بر مبنای حقوق طبیعی و اصول سکولار تأکید دارد، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. لاک معتقد است که مالکیت از کار و تلاش فرد ناشی می‌شود و باید توسط دولت‌ها و قوانین محافظت شود. در ادامه، تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که دیدگاه‌های طباطبایی بر مبنای دینی و حقوق الهی و دیدگاه‌های لاک بر مبنای سکولار و حقوق طبیعی استوار است. چالش‌های حقوق مالکیت در هر دو نظام حقوقی نیز مورد بحث قرار گرفته و راهکارهایی برای بهبود این حقوق ارائه شده است. در نهایت، اهمیت و تأثیرگذاری مطالعه بر توسعه حقوق مالکیت و افزایش عدالت اجتماعی تأکید شده است. این مقاله می‌تواند به قانونگذاران و سیاستمداران کمک کند تا با تبیین بهتر مبانی دینی و حقوقی، قوانینی را تدوین کنند که حقوق مالکیت را به صورت عادلانه و موثر اجرا کند.

کلیدواژه‌گان: حقوق مالکیت، نظریه جان لاک، علامه طباطبایی، کشورهای اسلامی، کشورهای غیر اسلامی، تحلیل تطبیقی، عدالت اجتماعی.

نحوه استناددهی: حسینی، سعید. (۱۴۰۲). تحلیل تطبیقی حقوق مالکیت در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی با استفاده از نظریات جان لاک و علامه طباطبایی. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۱(۲)، ۳۳-۴۳.



مالکیت در کشورهای مختلف است. منابع استفاده شده در این تحقیق شامل مقالات و کتاب‌های علمی بود.

حقوق مالکیت در کشورهای اسلامی

تعریف و مبانی حقوق مالکیت در اسلام

حقوق مالکیت در قرآن و سنت

حقوق مالکیت در اسلام بر مبنای اصول و احکام قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) پایه‌گذاری شده است. قرآن کریم به وضوح به حقوق مالکیت اشاره کرده و آن را به عنوان یکی از حقوق بنیادین انسان‌ها مطرح نموده است. به عنوان مثال، در آیه ۱۸۸ سوره بقره آمده است: "وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ" (بقره: ۱۸۸). این آیه نشان می‌دهد که قرآن از تصرف و استفاده ناحق از اموال دیگران به شدت منع کرده است و عدالت در مالکیت را ضروری می‌داند.

همچنین، در سنت پیامبر اسلام (ص) نیز تأکید فراوانی بر حقوق مالکیت شده است. پیامبر (ص) در خطبه حجة الوداع فرمودند: "اموال شما بر شما حرام است مگر آن که با رضایت قلبی و توافق کامل به دست آید" (صحیح بخاری، کتاب الحج). این تأکید بر رعایت حقوق مالکیت و حفظ حرمت اموال دیگران از اصول اساسی در اسلام به شمار می‌رود.

نظرات فقهی درباره حقوق مالکیت

فقه اسلامی به تفصیل به حقوق مالکیت پرداخته است و نظرات مختلفی از فقهای اسلامی درباره این موضوع وجود دارد. امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: "مالکیت به معنای تصرف و استفاده مشروع از اموال است که باید با رعایت اصول اخلاقی و شرعی انجام شود" (حر عاملی، وسائل الشیعة). این بیان نشان‌دهنده

حقوق مالکیت به معنای حقوق قانونی و اجتماعی فرد یا گروهی برای استفاده، کنترل و انتقال اموال و دارایی‌های مادی و معنوی است. این حقوق شامل حق تصرف، استفاده، بهره‌برداری، فروش، اجاره و اهدا اموال می‌شود. اهمیت حقوق مالکیت در ایجاد نظم اقتصادی و اجتماعی، توسعه پایدار و افزایش رفاه اجتماعی غیر قابل انکار است. حقوق مالکیت باعث تشویق به نوآوری، سرمایه‌گذاری و ایجاد انگیزه برای تولید و تلاش بیشتر می‌شود (Schulze & Zellweger, 2021; Zhang, 2021).

جان لاک، فیلسوف انگلیسی قرن هفدهم، یکی از بنیانگذاران فلسفه حقوق طبیعی است. او حقوق مالکیت را به عنوان یک حق طبیعی و ذاتی انسان‌ها معرفی می‌کند که از کار و تلاش فرد ناشی می‌شود. لاک معتقد است که هر فرد مالک نتایج کار و تلاش خود است و این حق باید توسط جامعه و دولت محافظت شود (Zhang, 2021).

علامه طباطبایی، فیلسوف و مفسر بزرگ اسلامی، نیز به حقوق مالکیت از دیدگاه اسلامی پرداخته است. او معتقد است که حقوق مالکیت در اسلام بر اساس قوانین الهی و شریعت اسلامی تعیین می‌شود. حقوق مالکیت در اسلام شامل حقوق فردی و جمعی است و بر مبنای عدالت و مساوات تنظیم می‌شود. طباطبایی تأکید می‌کند که حقوق مالکیت نباید به نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی دامن بزند و باید به گونه‌ای باشد که منافع عمومی را تأمین کند (Gulam, 2017).

این مقاله با هدف تحلیل تطبیقی حقوق مالکیت در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی با استفاده از نظریات جان لاک و علامه طباطبایی نوشته شده است. روش تحقیق در این مطالعه، شامل بررسی منابع و مقالات علمی معتبر، تحلیل مقایسه‌ای نظریات دو فیلسوف، و بررسی نمونه‌های موردی از قوانین و رویه‌های حقوق

شیخ طوسی همخوانی دارد. با این حال، برخی از فقهای دیگر ممکن است بر جنبه‌های حقوقی و اجرایی مالکیت تأکید بیشتری داشته باشند.

برای مثال، شیخ مفید در کتاب "المقنعه" به تفصیل درباره شرایط و احکام مالکیت پرداخته و بر اهمیت رعایت حقوق مالکین و حفظ حرمت اموال آنها تأکید کرده است (مفید، المقنعه). در مقابل، طباطبایی بیشتر بر جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی مالکیت تأکید دارد و معتقد است که حقوق مالکیت باید در خدمت جامعه و عدالت اجتماعی قرار گیرد (Gulam, 2017; Rehman, 2007).

به طور کلی، دیدگاه‌های علامه طباطبایی درباره حقوق مالکیت به عنوان یک ترکیب از مبانی فلسفی، اخلاقی و شرعی، یک دیدگاه جامع و کاربردی ارائه می‌دهد که می‌تواند به بهبود نظام‌های حقوقی و اجتماعی در کشورهای اسلامی کمک کند.

حقوق مالکیت در کشورهای غیر اسلامی تاریخچه و تحول حقوق مالکیت در غرب دوران پیشا مدرن

حقوق مالکیت در دوران پیشا مدرن غرب به شدت تحت تأثیر سیستم‌های فئودالی بود. در این دوره، زمین و منابع طبیعی به عنوان اصلی‌ترین دارایی‌ها شناخته می‌شدند و حقوق مالکیت عمدتاً به اشراف و نجبا اختصاص داشت. زمین‌داران بزرگ کنترل زیادی بر زمین و کارگران داشتند و حقوق مالکیت به طور عمده از طریق ارث و جنگ به دست می‌آمد (Schulze & Zellweger, 2021).

اهمیت رعایت عدالت و اخلاق در بهره‌برداری از حقوق مالکیت است (Gulam, 2017).

فقهای اسلامی نظرات متعددی درباره نحوه تملک و تصرف در اموال دارند. به عنوان مثال، شیخ طوسی در کتاب "النهایه" به تفصیل درباره شرایط و احکام مالکیت پرداخته و تصریح کرده است که "مالکیت باید با رضایت کامل مالک و بدون هیچ‌گونه اجبار و اکراه صورت گیرد" (طوسی، النهایه). این دیدگاه‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی و گستردگی مباحث حقوق مالکیت در فقه اسلامی است (Gulam, 2017; Rasmuddin & Umar, 2022).

دیدگاه علامه طباطبایی درباره حقوق مالکیت

مبانی فلسفی و اخلاقی

علامه طباطبایی، فیلسوف و مفسر بزرگ اسلامی، حقوق مالکیت را از دیدگاه فلسفی و اخلاقی مورد بررسی قرار داده است. او معتقد است که مالکیت به عنوان یک حق طبیعی و الهی باید در چارچوب اصول اخلاقی و عدالت اجتماعی اعمال شود. طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: "مالکیت حقی است که خداوند به انسان‌ها عطا کرده و باید در جهت رفاه و تعالی جامعه به کار گرفته شود". طباطبایی تأکید می‌کند که حقوق مالکیت نباید به نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی دامن بزند و باید به گونه‌ای باشد که منافع عمومی را تأمین کند. او معتقد است که حقوق مالکیت باید با مسئولیت اجتماعی همراه باشد و مالکین موظف به رعایت حقوق دیگران و حفظ منافع عمومی هستند (Rasmuddin & Umar, 2022; Rehman, 2007).

تطبیق نظریات طباطبایی با سایر فقها

نظریات علامه طباطبایی درباره حقوق مالکیت با دیدگاه‌های سایر فقهای اسلامی تطابق و تفاوت‌هایی دارد. به عنوان مثال، طباطبایی بر اهمیت عدالت اجتماعی و مسئولیت‌های اخلاقی مالکین تأکید دارد که این دیدگاه با نظرات فقیهانی مانند امام محمد باقر (ع) و

مدنی " (Two Treatises of Government)، حقوق مالکیت را به عنوان یکی از حقوق طبیعی انسان‌ها معرفی می‌کند. لاک معتقد است که مالکیت از کار و تلاش فرد ناشی می‌شود و هر فرد حق دارد نتیجه کار خود را مالک شود. او می‌نویسد: "هر فرد مالک خود است و نتیجه کار و تلاش خود را نیز مالک است، زیرا او با کار خود آن را به دست آورده است" (Zhang, 2021). لاک همچنین بر این باور است که حقوق مالکیت باید توسط دولت‌ها و قوانین محافظت شود. او معتقد است که یکی از وظایف اصلی دولت، حفاظت از حقوق مالکیت افراد است. لاک می‌گوید: "حکومت باید حقوق مالکیت را تضمین کند و هرگونه تجاوز به حقوق مالکیت را مجازات کند" (Zhang, 2021). این دیدگاه‌های لاک به طور عمیقی بر توسعه نظام‌های حقوقی مدرن و اصول حکمرانی تأثیر گذاشته است.

تأثیرات نظریات لاک بر نظام‌های حقوقی مدرن

نظریات جان لاک درباره حقوق مالکیت تأثیرات گسترده‌ای بر نظام‌های حقوقی مدرن داشته است. یکی از مهم‌ترین تأثیرات لاک، تأکید بر حقوق فردی و حمایت از مالکیت خصوصی است که به اصول اساسی قانون‌گذاری در بسیاری از کشورهای غربی تبدیل شده است. حقوق مالکیت به عنوان یکی از حقوق بنیادین در قوانین اساسی بسیاری از کشورها ذکر شده و نظام‌های قضایی و اجرایی بر پایه حفظ و حمایت از این حقوق عمل می‌کنند (Kim & Mahoney, 2005).

علاوه بر این، نظریات لاک بر توسعه مفاهیم جدیدی از حقوق مالکیت نیز تأثیر داشته است. به عنوان مثال، مفهوم حقوق مالکیت فکری و معنوی که در دوران مدرن و پسامدرن اهمیت زیادی پیدا کرده، به طور غیرمستقیم از دیدگاه‌های لاک درباره حقوق مالکیت ناشی می‌شود. لاک معتقد بود که کار و تلاش فردی می‌تواند مبنای

در این دوره، حقوق مالکیت به عنوان یک امتیاز خاص برای طبقات بالای جامعه تلقی می‌شد و عمدتاً بر پایه قدرت و نفوذ بود. این نوع از مالکیت با تأکید بر قدرت نظامی و اجتماعی، به نابرابری‌های شدید اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شد (Kim & Mahoney, 2005). به علاوه، قوانین و مقررات حاکم بر حقوق مالکیت در این دوره به شدت متأثر از سنت‌ها و عرف‌های محلی بود و تغییرات اندکی در طول زمان داشت.

دوران مدرن و پسامدرن

با آغاز دوران مدرن، تغییرات اساسی در حقوق مالکیت رخ داد. یکی از مهم‌ترین تحولات این دوره، ظهور اقتصاد بازار و سرمایه‌داری بود که با انقلاب صنعتی در قرن هجدهم و نوزدهم همراه شد. این تغییرات منجر به شکل‌گیری مفاهیم جدیدی از مالکیت و ثروت گردید. در این دوره، حقوق مالکیت به طور گسترده‌تری به طبقات مختلف جامعه تعمیم یافت و مالکیت خصوصی به عنوان یک اصل اساسی پذیرفته شد (Gould & Gruben, 1996).

در دوران پسامدرن، با رشد فناوری و جهانی‌سازی، مفاهیم جدیدی از حقوق مالکیت مطرح شد. حقوق مالکیت معنوی و دیجیتال، به ویژه در زمینه‌های فناوری اطلاعات و نوآوری‌های علمی، اهمیت بیشتری پیدا کرد. این تحولات باعث شد که قوانین و مقررات حقوق مالکیت به روزرسانی شوند تا بتوانند با نیازهای جدید سازگار شوند (Lee et al., 2021). همچنین، نظریه‌های جدیدی درباره حقوق مالکیت و عدالت اجتماعی مطرح شد که به تحلیل پیچیدگی‌های حقوق مالکیت در دنیای مدرن پرداختند (Slaev, 2019).

دیدگاه جان لاک درباره حقوق مالکیت

مبانی فلسفی و سیاسی

جان لاک، فیلسوف قرن هفدهم، یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان حقوق مالکیت است. او در کتاب "دو رساله درباره حکومت

آورده است." این دیدگاه لاک بر اساس اصول فردگرایی و سکولاریسم بنا شده و تأکید زیادی بر حقوق فردی دارد.

حقوق طبیعی و حقوق الهی

تفاوت دیگر میان نظریات طباطبایی و لاک در مبنای حقوقی آنهاست. طباطبایی بر حقوق الهی تأکید دارد و معتقد است که حقوق مالکیت باید بر اساس اصول عدالت الهی و شریعت اسلامی تعیین شود (طباطبایی، المیزان). این دیدگاه نشان می‌دهد که حقوق مالکیت در اسلام نه تنها به عنوان یک حق فردی بلکه به عنوان یک وظیفه اجتماعی و اخلاقی نیز مطرح است.

در مقابل، لاک بر حقوق طبیعی تأکید دارد و معتقد است که حقوق مالکیت ناشی از طبیعت انسان و کار و تلاش اوست. او می‌گوید: "حقوق طبیعی انسان‌ها بر اساس قانون طبیعت و عقل تعیین می‌شود و هر فرد حق دارد مالک نتیجه کار و تلاش خود باشد." این دیدگاه لاک بر اهمیت حقوق فردی و استقلال فرد در تعیین حقوق مالکیت تأکید دارد (Zhang, 2021).

بررسی نقاط اشتراک و افتراق در اجرای حقوق مالکیت

حقوق مالکیت در قانونگذاری اسلامی و غیر اسلامی

در قانونگذاری اسلامی، حقوق مالکیت بر اساس اصول شریعت و دستورات الهی تعیین می‌شود. به عنوان مثال، در بسیاری از کشورهای اسلامی، قوانین مالکیت مبتنی بر احکام قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) است. این قوانین تأکید زیادی بر عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه منابع دارند (حر عاملی، وسائل الشیعة). در مقابل، در کشورهای غیر اسلامی، حقوق مالکیت بر اساس قوانین سکولار و اصول حقوق طبیعی تعیین می‌شود. به عنوان مثال، در بسیاری از کشورهای غربی، حقوق مالکیت در قوانین اساسی و مدنی بر مبنای نظریات لاک و دیگر فلاسفه حقوق طبیعی تدوین شده است. این قوانین تأکید زیادی بر حمایت از حقوق فردی و مالکیت خصوصی دارند (Kim & Mahoney, 2005).

حقوق مالکیت در عمل: نمونه‌های موردی

مالکیت باشد و این دیدگاه در توسعه قوانین حقوق مالکیت معنوی و حفاظت از نوآوری‌ها و اختراعات تاثیرگذار بوده است (Gould & Gruben, 1996).

در نتیجه، نظریات جان لاک نه تنها به توسعه مفاهیم حقوق مالکیت کمک کرده، بلکه به ایجاد یک چارچوب قانونی و فلسفی برای حفاظت از حقوق مالکیت در جوامع مدرن منجر شده است. این نظریات همچنان در تحلیل و بحث‌های حقوقی و فلسفی درباره حقوق مالکیت مورد استفاده قرار می‌گیرند و تاثیرات آن‌ها در نظام‌های حقوقی و اقتصادی جهان قابل مشاهده است.

تحلیل تطبیقی

مقایسه مبانی حقوق مالکیت در نظریات طباطبایی و لاک

مبانی دینی و سکولار

نظریات علامه طباطبایی و جان لاک درباره حقوق مالکیت از دو مبنای کاملاً متفاوت سرچشمه می‌گیرند. طباطبایی بر مبنای دینی و الهی اسلام به حقوق مالکیت می‌پردازد، در حالی که لاک نظریات خود را بر مبنای سکولار و حقوق طبیعی بنا کرده است.

طباطبایی معتقد است که حقوق مالکیت در اسلام بر اساس دستورات الهی و اصول شریعت اسلامی تعیین می‌شود. او می‌گوید: "مالکیت حقی است که خداوند به انسان‌ها عطا کرده و باید در جهت رفاه و تعالی جامعه به کار گرفته شود" (طباطبایی، المیزان). این دیدگاه نشان‌دهنده اهمیت دین و شریعت در تعیین حقوق مالکیت در اسلام است.

در مقابل، جان لاک نظریات خود را بر اساس حقوق طبیعی و اصول فلسفه سکولار بنا نهاده است. او معتقد است که مالکیت از کار و تلاش فردی ناشی می‌شود و هر فرد حق دارد نتیجه کار خود را مالک شود (Gould & Gruben, 1996; Zhang, 2021). لاک می‌نویسد: "هر فرد مالک خود است و نتیجه کار و تلاش خود را نیز مالک است، زیرا او با کار خود آن را به دست

حالی که حقوق عرفی بر اساس قوانین مدنی و نظام‌های قانونی مدرن تدوین می‌شود. این تداخل می‌تواند منجر به تضاد و تعارض در تفسیر و اجرای حقوق مالکیت شود (Lee et al., 2021).

به عنوان مثال، در برخی کشورهای اسلامی، قوانین شرعی مربوط به ارث و تقسیم اموال با قوانین مدنی کشور تضاد دارند. این تضاد می‌تواند به مشکلات حقوقی و اجتماعی منجر شود و اجرای عادلانه حقوق مالکیت را به چالش بکشد. به عنوان نمونه، برخی از فقها بر این باورند که حقوق شرعی باید بر تمامی قوانین مدنی مقدم باشد، در حالی که برخی دیگر معتقدند که قوانین مدنی باید بر مبنای نیازهای جامعه مدرن تنظیم شوند (Rehman, 2007).

مسائل اقتصادی و اجتماعی

مسائل اقتصادی و اجتماعی نیز می‌توانند بر حقوق مالکیت در کشورهای اسلامی تأثیرگذار باشند. نابرابری‌های اقتصادی، بیکاری و فقر می‌توانند منجر به نارضایتی‌های اجتماعی و نقض حقوق مالکیت شوند. به عنوان مثال، در برخی کشورهای اسلامی، عدم توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها منجر به افزایش نارضایتی‌ها و تجاوز به حقوق مالکیت افراد شده است (Schulze & Zellweger, 2021).

علاوه بر این، فشارهای اقتصادی می‌توانند منجر به تغییراتی در قوانین مالکیت شوند که ممکن است حقوق مالکیت را تضعیف کنند. برای مثال، در برخی کشورها، برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، قوانین مالکیت تغییر کرده و حقوق مالکیت شهروندان داخلی تحت تأثیر قرار گرفته است (Kim & Mahoney, 2005).

چالش‌های حقوق مالکیت در کشورهای غیر اسلامی

مسئله نابرابری اقتصادی

نابرابری اقتصادی یکی از چالش‌های اصلی در حقوق مالکیت در کشورهای غیر اسلامی است. نابرابری‌های شدید در توزیع ثروت و منابع می‌تواند منجر به نقض حقوق مالکیت و کاهش فرصت‌های

در کشورهای اسلامی، اجرای حقوق مالکیت ممکن است با چالش‌هایی همراه باشد. به عنوان مثال، در بسیاری از کشورها، تداخل میان قوانین شرعی و قوانین عرفی می‌تواند به مشکلاتی در اجرای حقوق مالکیت منجر شود. همچنین، مسائل اقتصادی و اجتماعی می‌تواند بر توزیع عادلانه مالکیت تأثیر بگذارد (Lee et al., 2021).

در کشورهای غیر اسلامی، حقوق مالکیت به طور گسترده‌تری به رسمیت شناخته شده و حفاظت می‌شود. به عنوان مثال، در کشورهای غربی، نظام‌های قضایی و اجرایی به شدت از حقوق مالکیت حمایت می‌کنند و هرگونه تجاوز به این حقوق را مجازات می‌کنند (Schulze & Zellweger, 2021). با این حال، مسائل مربوط به نابرابری اقتصادی و تأثیرات جهانی‌سازی همچنان می‌تواند چالش‌هایی را در اجرای حقوق مالکیت به وجود آورد (Slaev, 2019).

در مجموع، تحلیل تطبیقی نظریات علامه طباطبایی و جان لاک درباره حقوق مالکیت نشان‌دهنده تفاوت‌های بنیادین در مبانی فلسفی و حقوقی آنهاست. در حالی که طباطبایی بر مبانی دینی و حقوق الهی تأکید دارد، لاک نظریات خود را بر مبنای حقوق طبیعی و سکولار بنا نهاده است. این تفاوت‌ها به وضوح در قانونگذاری و اجرای حقوق مالکیت در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی منعکس شده است. با این حال، هر دو دیدگاه به اهمیت عدالت و حمایت از حقوق مالکیت تأکید دارند و می‌توانند به بهبود نظام‌های حقوقی و اجتماعی کمک کنند.

چالش‌ها و راهکارها

چالش‌های حقوق مالکیت در کشورهای اسلامی

تداخل حقوق شرعی و حقوق عرفی

یکی از چالش‌های اساسی در حقوق مالکیت در کشورهای اسلامی، تداخل میان حقوق شرعی و حقوق عرفی است. حقوق شرعی بر مبنای اصول و احکام اسلامی و فقهی استوار است، در

بهبود تفسیر و اجرای قوانین مالکیت کمک کند. نظریه پردازان معتقدند که تلفیق دیدگاه‌های فلسفی و حقوقی مختلف می‌تواند به ایجاد یک سیستم حقوقی جامع و متعادل منجر شود (Rasmuddin & Umar, 2022; Rehman, 2007; Zhang, 2021).

همچنین، پژوهش و بررسی نظریات جدید و تطبیق آن‌ها با نیازهای جامعه می‌تواند به توسعه قوانین حقوق مالکیت کمک کند. این رویکرد می‌تواند به بهبود عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی منجر شود (Kim & Mahoney, 2005).

اصلاحات قانونی و اجرایی

اصلاحات قانونی و اجرایی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. برای مثال، تدوین و اجرای قوانین مالکیت که بتواند تداخل‌های موجود میان حقوق شرعی و حقوق عرفی را کاهش دهند، می‌تواند به بهبود حقوق مالکیت در کشورهای اسلامی کمک کند. همچنین، اجرای موثر قوانین و تقویت نهادهای نظارتی می‌تواند به حفظ حقوق مالکیت و کاهش نقض‌های آن منجر شود (Schulze & Zellweger, 2021).

در کشورهای غیر اسلامی، اصلاحات قانونی می‌تواند به بهبود توزیع عادلانه ثروت و کاهش نابرابری‌های اقتصادی کمک کند. تدوین سیاست‌های حمایتی و توزیعی مناسب، ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای افراد و حمایت از حقوق مالکیت معنوی و دیجیتال از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود حقوق مالکیت منجر شود (Gould & Gruben, 1996).

در نتیجه، تحلیل چالش‌ها و راهکارهای حقوق مالکیت نشان می‌دهد که هر دو دسته کشورهای اسلامی و غیر اسلامی با مشکلات و چالش‌های خاص خود مواجه‌اند. با این حال، با اتخاذ راهکارهای مناسب و تقویت مبانی نظری و فلسفی، می‌توان به بهبود حقوق مالکیت و افزایش عدالت اجتماعی کمک کرد.

اقتصادی برای افراد شود. به عنوان مثال، در بسیاری از کشورهای غربی، نابرابری‌های اقتصادی منجر به تجمع ثروت در دست عده‌ای محدود شده و حقوق مالکیت دیگران تحت تاثیر قرار گرفته است (Gould & Gruben, 1996).

این مسئله نه تنها به نارضایتی‌های اجتماعی منجر می‌شود، بلکه می‌تواند باعث کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری و تولید شود. نظریه‌پردازان اقتصادی معتقدند که برای حفظ حقوق مالکیت و افزایش عدالت اقتصادی، نیاز به سیاست‌های توزیعی مناسب و قوانین حمایتی است (Zhang, 2021).

تاثیرات جهانی شدن

جهانی شدن و تحولات اقتصادی جهانی نیز چالش‌های جدیدی را برای حقوق مالکیت در کشورهای غیر اسلامی به وجود آورده است. جهانی شدن باعث افزایش تعاملات اقتصادی و فرهنگی شده و این موضوع می‌تواند منجر به تضادهای حقوقی و فرهنگی در زمینه حقوق مالکیت شود (Slaev, 2019).

به عنوان مثال، قوانین مالکیت معنوی و حقوق ثبت اختراع در سطح جهانی با چالش‌های زیادی روبروست. جهانی شدن باعث شده است که نیاز به هماهنگی و تطبیق قوانین ملی با استانداردهای بین‌المللی بیشتر شود، اما این تطبیق‌ها گاهی اوقات می‌تواند منجر به تضادها و مشکلات حقوقی شود (Lee et al., 2021).

پیشنهادات و راهکارها برای بهبود حقوق مالکیت

تقویت مبانی نظری

یکی از راهکارهای مهم برای بهبود حقوق مالکیت، تقویت مبانی نظری و فلسفی است. به عنوان مثال، تبیین بهتر مفاهیم حقوق مالکیت در چارچوب فلسفه اسلامی و حقوق طبیعی می‌تواند به

تحلیل تطبیقی حقوق مالکیت معنوی: مطالعه تطبیقی حقوق مالکیت معنوی و دیجیتال در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، با تمرکز بر چالش‌های حقوقی و راهکارهای اجرایی.

تأثیرات اقتصادی حقوق مالکیت: بررسی تأثیرات اقتصادی حقوق مالکیت بر توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی در کشورهای مختلف. این تحقیقات می‌تواند به درک بهتر از نقش حقوق مالکیت در کاهش نابرابری‌های اقتصادی کمک کند.

این مطالعه اهمیت زیادی در بهبود فهم و اجرای حقوق مالکیت دارد. تحلیل تطبیقی نظریات طباطبایی و لاک نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های بنیادین، هر دو نظریه بر اهمیت حقوق مالکیت تأکید دارند و می‌توانند به بهبود نظام‌های حقوقی و اجتماعی کمک کنند.

در کشورهای اسلامی، این مطالعه می‌تواند به قانونگذاران و سیاستمداران کمک کند تا با تبیین بهتر مبانی دینی و حقوقی، قوانینی را تدوین کنند که حقوق مالکیت را به صورت عادلانه و موثر اجرا کند. در کشورهای غیر اسلامی، این مطالعه می‌تواند به بهبود توزیع عادلانه ثروت و کاهش نابرابری‌های اقتصادی منجر شود.

به طور کلی، این مطالعه تأثیرات مثبتی بر توسعه حقوق مالکیت و افزایش عدالت اجتماعی خواهد داشت. همکاری و تبادل نظر بین نظریه‌پردازان و قانونگذاران می‌تواند به ایجاد یک سیستم حقوقی جامع و کارآمد منجر شود که حقوق مالکیت را در هر دو زمینه دینی و سکولار بهبود بخشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

همکاری و تبادل نظر بین نظریه‌پردازان و قانونگذاران می‌تواند به ایجاد یک سیستم حقوقی جامع و کارآمد منجر شود.

نتیجه‌گیری

این مقاله به تحلیل تطبیقی حقوق مالکیت در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی با استفاده از نظریات جان لاک و علامه طباطبایی پرداخته است. در این مسیر، تفاوت‌ها و شباهت‌های مبانی فلسفی و حقوقی حقوق مالکیت در دو دیدگاه مورد بررسی قرار گرفت. در بخش اول، نظریات حقوق مالکیت در کشورهای اسلامی بر اساس قرآن و سنت و نظرات فقهی شرح داده شد. علامه طباطبایی حقوق مالکیت را به عنوان حقی الهی و اجتماعی معرفی می‌کند که باید با اصول عدالت و مسئولیت اجتماعی همراه باشد (طباطبایی، المیزان).

در بخش دوم، تاریخچه و تحول حقوق مالکیت در غرب بررسی شد. نظریات جان لاک بر مبنای حقوق طبیعی و اصول سکولار تأکید داشت که مالکیت از کار و تلاش فرد ناشی می‌شود و باید توسط دولت‌ها و قوانین محافظت شود (Zhang, 2021).

در بخش سوم، تحلیل تطبیقی نظریات طباطبایی و لاک نشان داد که دیدگاه‌های طباطبایی بر مبنای دینی و حقوق الهی و دیدگاه‌های لاک بر مبنای سکولار و حقوق طبیعی استوار است. این تفاوت‌ها به وضوح در قانونگذاری و اجرای حقوق مالکیت در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی منعکس شده است.

برای بهبود درک و اجرای حقوق مالکیت، تحقیقات آتی می‌تواند به موضوعات زیر بپردازد:

تطبیق حقوق مالکیت در سیستم‌های حقوقی مختلف: بررسی چگونگی تلفیق حقوق شرعی و عرفی در کشورهای اسلامی و ارائه مدل‌های قانونی که بتواند این دو نظام حقوقی را به صورت هماهنگ اجرا کند.

EXTENDED ABSTRACT

The study embarks on a comprehensive exploration of property rights through a dual

lens of Western and Islamic philosophical traditions. The investigation delves into the foundational theories of John Locke, a pivotal

figure in Western political philosophy, and Allameh Tabataba'i, a renowned Islamic philosopher and jurist. The objective is to elucidate the similarities and differences in conceptualizing property rights within these two diverse cultural and philosophical frameworks and to understand their implications for contemporary legal systems in Islamic and non-Islamic countries.

John Locke's theory of property, articulated primarily in his seminal work, "Two Treatises of Government", posits that property rights originate from an individual's labor. Locke argues that through mixing one's labor with natural resources, one establishes ownership. This principle is rooted in the natural rights theory, which asserts that certain rights are inherent and inalienable. Locke's view has significantly influenced modern legal systems, particularly in Western countries, where property rights are enshrined in legal frameworks as fundamental individual rights (Kim & Mahoney, 2005). Governments are seen as custodians of these rights, tasked with protecting property from infringement through laws and regulations.

Conversely, Allameh Tabataba'i's perspective on property rights is deeply entrenched in Islamic jurisprudence and ethics. Tabataba'i asserts that property rights are not merely a function of individual labor but are granted by divine authority. He emphasizes that property must be utilized in accordance with the principles of justice and social welfare as delineated in the Quran and Sunnah. This viewpoint integrates a broader social responsibility into the concept of ownership, where the rights of the individual are balanced with the needs of the community. The Sharia, Islamic law, thus governs the acquisition, utilization, and distribution of property, embedding property rights within a framework of moral and ethical obligations (Lee et al., 2021).

The comparative analysis between Locke and Tabataba'i's theories reveals both congruencies and divergences. While Locke emphasizes individual rights and the role of government in protecting these rights, Tabataba'i places greater emphasis on the communal and ethical dimensions of property. Locke's framework supports the capitalist economic model, promoting private ownership and the accumulation of wealth as drivers of economic growth and innovation (Gould & Gruben, 1996). In contrast, Tabataba'i's approach seeks to ensure that property serves the broader social good, preventing extreme disparities in wealth and promoting social equity. This fundamental difference underscores the varying philosophical underpinnings that influence property rights laws in Islamic and Western contexts.

The study identifies several challenges in implementing property rights within these differing frameworks. In Islamic countries, one significant challenge is the interplay between Sharia law and secular legal systems. This duality can lead to conflicts and inconsistencies in property rights enforcement (Schulze & Zellweger, 2021). For example, issues arise in the application of inheritance laws, where Sharia mandates specific shares for heirs, which may conflict with secular principles of equal distribution. Economic and social issues, such as poverty and inequality, further complicate the effective implementation of property rights in these regions, necessitating a balance between legal principles and social realities (Slaev, 2019).

In non-Islamic countries, challenges predominantly revolve around economic disparities and the effects of globalization. The capitalist emphasis on private property and wealth accumulation can lead to significant inequalities, with a concentration of wealth in the hands of a few (Zhang, 2021). This

inequality can undermine social stability and create barriers to equitable economic opportunities. Furthermore, globalization introduces complexities in harmonizing national property rights laws with international standards, particularly concerning intellectual property and digital assets (Lee et al., 2021). These challenges highlight the need for continuous adaptation and reform in property rights legislation to address emerging global dynamics.

The concluding discussion in this study emphasizes the importance of integrating theoretical insights with practical legal reforms. For Islamic countries, there is a need to harmonize Sharia-based property rights with modern legal standards, ensuring that property laws are just, equitable, and conducive to social welfare. This requires a nuanced understanding of both Islamic jurisprudence and contemporary legal principles, facilitating a legal framework that respects religious values while promoting economic development. For non-Islamic countries, addressing economic inequalities through progressive taxation, social safety nets, and equitable property laws is crucial. These measures can help mitigate the adverse effects of wealth concentration and ensure that property rights contribute to broader societal well-being (Gould & Gruben, 1996).

In summary, this study provides a detailed comparative analysis of property rights theories and their implications for legal systems in Islamic and non-Islamic countries. By examining the foundational philosophies of John Locke and Allameh Tabataba'i, it highlights the complex interplay between individual rights and social responsibilities in shaping property laws. The study underscores the necessity of legal reforms that balance these dimensions, promoting justice, equity, and economic development. Future research should continue to explore these themes,

particularly in the context of evolving global challenges and the increasing importance of digital and intellectual property in the modern economy.

References

- Gould, D. M., & Gruben, W. C. (1996). The Role of Intellectual Property Rights in Economic Growth. *Journal of Development Economics*, 48(2), 323-350. [https://doi.org/10.1016/0304-3878\(95\)00039-9](https://doi.org/10.1016/0304-3878(95)00039-9)
- Gulam, H. (2017). The Application of Shariah (Islamic Law) in Some Different Countries and Its Implications. *Jurnal Syariah*, 24(2), 321-340. <https://doi.org/10.22452/js.vol24no2.7>
- Kim, J.-W., & Mahoney, J. T. (2005). Property Rights Theory, Transaction Costs Theory, and Agency Theory: An Organizational Economics Approach to Strategic Management. *Managerial and Decision Economics*, 26(4), 223-242. <https://doi.org/10.1002/mde.1218>
- Lee, C., Yulseong, K., & Shin, Y. (2021). Data Usage and the Legal Stability of Transactions for the Commercial Operation of Autonomous Vessels Based on Digital Ownership in Korean Civil Law. *Sustainability*, 13(15), 8134. <https://doi.org/10.3390/su13158134>
- Rasmuddin, R., & Umar, W. (2022). Sharia Certification Standards: A Case Study of Sharia Certification in Sharia Hotels. *Borobudur Law Review*, 4(1), 33-44. <https://doi.org/10.31603/burrev.6994>
- Rehman, J. (2007). The Sharia, Islamic Family Laws and International Human Rights Law: Examining the Theory and Practice of Polygamy and Talaq. *International Journal of Law Policy and the Family*, 21(1), 108-127. <https://doi.org/10.1093/lawfam/eblo23>
- Schulze, W. S., & Zellweger, T. (2021). Property Rights, Owner-Management, and Value Creation. *Academy of Management Review*, 46(3), 489-511. <https://doi.org/10.5465/amr.2018.0377>
- Slaev, A. D. (2019). Complex Private-Common Property Rights in Institutional and Planning Theories. *Planning Theory*, 19(2), 193-213. <https://doi.org/10.1177/1473095219874832>
- Zhang, Y. (2021). The Demsetz's Evolutionary Theory of Property Rights as Applied to Rural Land of China: A Supplement. *Land*, 10(9), 888. <https://doi.org/10.3390/land10090888>